



تاریخ تحولات خط بریل در ایران

محمد نوری

چکیده

این مقاله به سیر تحولات بریل در ایران از زمان ورود یعنی ۱۲۹۹ تاکنون می‌پردازد. یعنی حدود یک سده بریل در ایران سابقه دارد و همراه روشندان بوده و تلخی‌ها و شیرینی‌های آنان را تجربه کرده است. نویسنده، حضور بریل را در ایران به چهار دوره تقسیم می‌کند. متأسفانه اسناد و مدارک در این زمینه اندک است. اگر نسل کنونی هم منقضى شود، نسل‌های آینده از بریل ایرانی چیزی نخواهند دانست. از اینرو مؤسسه‌های ویژه روشندان و به ویژه خود معلولین باید اهتمام کنند و هر آنچه می‌دانند هرچند در حد یک سطر باشد ضبط کنند و همه اسناد و مدارک را جمع‌آوری نمایند. کتابخانه اسکندریه در مصر در بخش نابینایان به نام کتابخانه طه حسین هزاران سند را جمع‌آوری کرده است اما متأسفانه اسناد ایران در بین این اسناد نیست.

مقدمه

قدرت بینایی می‌توانستند از نعمت خواندن و نوشتن بهره‌مند باشند، به مدرسه و دانشگاه بروند، در جامعه کار و اشتغال داشته باشند؛ اما نابینایان از همه اینها محروم بودند. از اینرو اختلاف فاحشی بین معلولین و سالم‌ها به وجود آمد. چند قرن اینگونه گذشت و نخبگان همواره در فکر پیدا کردن راه حلی بودند. لویی بریل در سال ۱۸۲۹م موفق شد کار شارل باربیه را تکمیل و خط بریل را اختراع کند. این اختراع انقلاب و تحولی اساسی بود. زیرا به نابینایان قدرت خواندن و نوشتن می‌داد و مجدداً فرصت‌ها بین همه بنی آدم مساوی می‌شد.

ایران از نخستین کشورهای منطقه بود که رهایی از عقب ماندگی و استعمار و استبداد را تجربه کرد. جریان توسعه و پیشرفت فراگیر است و بخشی از آن مربوط به معلولین است، از اینرو فراگیری علوم و مشارکت اجتماعی معلولین در ایران زودتر از بسیاری از کشورها آغاز شد. این مقاله به اجمال و خیلی فشرده سیر تحولات مربوط به معلولین نابینا در عرصه‌های فرهنگی و آموزشی را بررسی می‌کند. البته خط بریل زودتر وارد جهان عرب شد؛ لاول^۱ در سال

مسلمانان در ایران از زمانی که با خط بریل آشنا شدند، و آن را راه کار مناسب برای رفع مشکلات روشندان یافتند، درصدد برآمدند از آن استفاده مطلوب داشته باشند. زیرا اصل اول و مهم برای هر مسلمان، اجرای توصیه‌ها و دستورات قرآنی و شرعی در اهتمام به امور معلولین و نابینایان است. برخی ادیان معلولین را محکوم جبر طبیعی یا اسیر نیروهای ماوراء طبیعی می‌دانند و وضعیت نامطلوب آنان را سرنوشتی محتوم تلقی می‌کنند. در اسلام اما تفاوت ماهوی بین انسان عادی و کسانی که فاقد توان شنوایی یا حس بینایی‌اند، نیست و این آیین برای آنان حقوق مساوی در نظر گرفته است. در دنیای قدیم یعنی پیش از آغاز عصر مدرن و صنعتی شدن، همه انسان‌ها اعم از سالم و معلول تقریباً از فرصت‌های مساوی و توانایی‌های برابر برخوردار بودند. مگر کسانی که هیچ نوع توانایی برای کارهایی مثل بیل زدن، شخم زدن، چرانیدن گوسفند و کشیدن آب از چاه نداشتند. یعنی فاقد دست و پا و قدرت بدنی بودند. فقط اینان با افراد سالم از فرصت‌های برابر برخوردار نبودند، اما تقریباً اکثریت افراد جوامع تساوی در بهره‌وری داشتند. اما با آغاز عصر صنعتی شدن و اختراع ماشین چاپ، اختلافات فاحشی بین اقشار پدید آمد. افراد دارای

و همکاری تدوین کتب آموزشی نابینایان به خط بریل در سال ۱۳۰۵ بود.^۱

آموزشگاه نابینایان تبریز که تنها مرکز آموزش نابینایان در ایران محسوب می‌شد تا سال ۱۳۱۹ مشغول ارائه خدمات آموزشی و تربیت حرفه‌ای نابینایان بود و تعداد دانش‌آموزان نابینای تحت پوشش آن به ۴۵ نفر می‌رسید. با آغاز جنگ جهانی دوم دولت ایران مجبور شد همه آلمانی‌ها را از ایران اخراج کند. کریستوفل هم ایران را ترک کرد. اما پس از ترک مخاصمات، علاقه‌اش به ایران، او را به تبریز بازگرداند و آموزش پسران نابینا را از سر گرفت. کریستوفل به دلائل نامعلوم، حوالی سال ۱۳۲۰ به اصفهان رفت (برخی منابع رفتن او به اصفهان را بین ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ می‌دانند)^۲ و دانش‌آموزان نابینا را هم با خود به اصفهان بُرد. در اصفهان مجوز آموزشگاه شبانه روزی پسران نابینا را گرفت و کارش را آغاز کرد. همکاری در اصفهان نیز یکی از دبیران و فرهنگیان فعال به نام علی اکبر کابلی بود. کریستوفل و همکاران فرهنگی او به ویژه مرحوم کابلی توانستند اقداماتی شایسته و در خور ستایش در عرصه خط بریل پدید آورند. بسیاری از متون درسی را تبدیل به بریل کردند. علائم فارسی بریل را در بعضی موضوعات و علوم هرچند ناقص توسعه دادند و خلاصه موجبات تحولاتی ژرف را پدید آوردند. نخستین سند بریل موجود در مرکز اسناد ملی ایران، الفبای بریل فارسی است که کریستوفل در سال ۱۳۰۵ش نوشت و توسط وزارت کشور منتشر شد.

کریستوفل در آلمان با بریل آشنا شده بود. به احتمال قوی کلیسا برای مبلغان مذهبی جلسات آموزش بریل داشته تا آنان در این زمینه کاملاً تبحر پیدا کنند و به هنگام تبلیغ در دیگر کشورها، برای نابیناها کلاس بریل برپا نمایند. بعداً در ترکیه هم تجربه آموخت و برای نابینایان کلاس بریل داشت. ولی به دلائل نامعلوم در ترکیه نتوانست موفق شود.^۳ داوری برخی درباره کریستوفل اینگونه است که او بسیاری از حروف آلمانی از قبیل ب، پ، ت، که مستقیماً از بریل فرانسوی گرفته شده بود، را برای فارسی به کار برد. اما نتوانست برای برخی حروف مانند مصوت‌ها، همزه، تشدید علامت بریل ایجاد کند. از اینرو بریل کریستوفل ناقص و با بریل امروزی اختلاف فاحش داشت.^۴

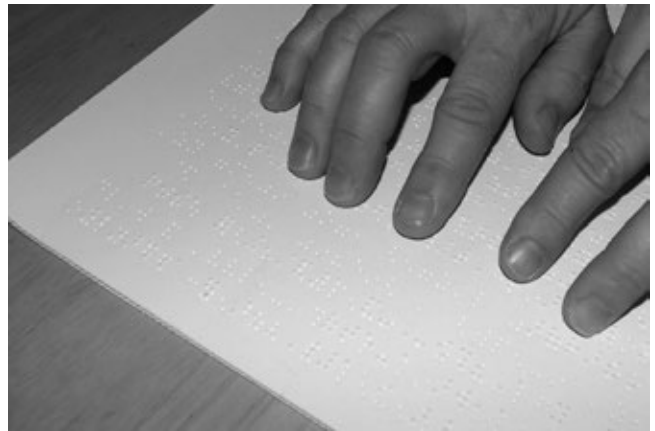
۱. *الدراسات الادبیه*، ص ۴۲۴.

۲. *کودکان و نوجوانان*، ص ۶۶؛ *سیر تاریخی*، ص ۱۰.

۳. تأثیر بریل عربی، *الدراسات*، ص ۴۲۳-۴۲۴.

۴. *سیر تاریخی آموزش و پرورش استثنایی در ایران*، ص ۱۰؛ *الدراسات الادبیه*، ص ۴۲۴.

۱۸۷۰ یعنی حدود ۱۴۵ سال قبل، بریل را به مصر برد. یعنی حدود چهل سال بعد از اختراع بریل توسط بریل و حدود نیم سده پیش از ایران، بریل به مصر رفته است.



ورود خط بریل به ایران و استفاده محدود (دوره نخست: ۱۲۹۹-۱۳۳۱)

در سال ۱۲۹۹ش (بنابر برخی اسناد در ۱۳۰۰ش) یک کشیش آلمانی مسیحی به نام پاستور ارنست جی. کریستوفل^۱ از ترکیه به ایران وارد شد و در تبریز اقامت گزید و سپس کار تبلیغ و خدمات رسانی را آغاز کرد. او نابینایان شهر تبریز را دعوت کرد و برای جوانان نابینا کلاس آموزش خط بریل گذاشت. در این دوره جمعاً ۵ دانش‌آموز شرکت داشتند. و بدین ترتیب نخستین آموزشگاه و کلاس درس نابینایان و اولین آموزش خط بریل در ایران آغاز شد. کریستوفل در سال ۱۳۰۷ (یا ۱۳۰۵) تأسیس رسمی مدرسه نابینایان را به نام آموزشگاه نابینایان تبریز به وزارت معارف پیشنهاد کرد. او در همان سال از وزارت معارف مجوز گرفت و کار آموزش را آغاز کرد. برخی نوشته‌اند او در همان سال ورود یعنی ۱۲۹۹ مدرسه نابینایان تبریز را بنیان نهاد.^۲ بخش مهمی از آموزش‌ها مربوط به خط بریل بود. چون فراگیری این خط به مثابه یادگیری الفبای فارسی برای بینایان است و افرادی که خط بریل را فرا می‌گرفتند در واقع سواد خواندن و نوشتن را دارا شده بودند.

همکار کریستوفل در تبریز دبیر با سابقه‌ای به نام محمد علی خاموشی بود. او از فرهنگیان خوش نام و فعال بود و توانست مشاور و همکار مناسبی برای کریستوفل باشد. کریستوفل در سال ۱۳۰۵ش با خاموشی در تبریز آشنا شد و از این سال همکاری آنان آغاز گردید.^۳ ثمره این آشنایی

1. Pastor Christoffe

۲. تأثیر خط بریل عربی بر فارسی، *الدراسات الادبیه*، ص ۴۲۳.

۳. نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل، ص ۴۱.

در همه این آموزشگاه‌های وابسته به کلیسا، برای پذیرش نابینایان در این مدارس محدودیت سنی وجود نداشتند و کودکان ۲ تا ۷ ساله و حتی افراد ۳۰ ساله را نیز می‌پذیرفتند. زیرا هدف آنان آموزش نبود بلکه تربیت مبلغ دینی مهم‌ترین هدفشان بود.

این آموزشگاه‌ها به نگهداری و نیز حرفه آموزی و آموزش نابینایان می‌پرداختند. آنها آموزش‌هایی از قبیل بافندگی، کشاورزی، آموزگاری، مترجمی، فیزیوتراپی و کارهای دستی دیگر فرا می‌گرفتند و پس از یادگرفتن به آموزش آن به دیگران یا ایجاد کارگاه‌ها و مزارع اقدام می‌کردند.

این شیوه در ادامه تدبیر برای خودکفایی جریان‌های تبلیغی است که کلیسا ترویج می‌کرد. در واکنش به این اقدامات و فعالیت‌ها، عده‌ای از روحانیون، بازاریان و نیکوکاران اصفهان و کمابیش در برخی شهرهای دیگر، آموزشگاه‌های نابینایان با گرایش اسلامی تأسیس کردند. هدف آنان سه چیز بود: جذب مسلمانانی که به مدارس مسیحی رفته بودند و امکان مسیحی شدن آنان زیاد بود؛ دوم تربیت مبلغان اسلامی و سوم ایجاد محیطی آرام برای آموزش و مهارت آموزی شبانه روزی بود.

بریل ایرانی از ۱۲۹۹ (سال ورود به ایران) تا ۱۳۳۱ (سال تصویب و اصلاح توسط یونسکو) به نام خط کلیسا یا خط کریستوفل شناخته می‌شد و سایه اهداف کلیسا و میسیونری بر آن سایه افکنده بود. با توجه به تعصبات مذهبی مردم ایران، عدم همکاری و نفرستادن فرزندان نابینا به مدارس نابینایی قابل فهم و درک است. یک علت مهم ضعف بنیه‌های خط بریل ایرانی و پیشرفت کند آن در طی سه دهه همین نکته است. نکته مهم اینکه این دوره در اوج فراز و فرود حکومت رضا شاه پهلوی است. ایشان مدعی بود با موانع توسعه ایرانی هر چند دینی باشد، مبارزه می‌کند ولی هیچگونه تلاشی در این زمینه مشاهده نمی‌شود. اطلاعات ما از این دوره بسیار اندک است، از همه مردم استعدا داریم هر گونه سند و مدرک و اطلاعاتی دارند هر چند کوچک و اندک باشد برای ما بفرستند.^۱

تصویب رسمی و گسترش همگانی

(دوره دوم: ۱۳۳۱-۱۳۶۰)

دوره دوم خط بریل در ایران با اقدام یونسکو آغاز می‌شود. ورود یونسکو به امور معلولین و مسائل فرهنگی آنان و به تبع خط بریل، حادثه مهم تاریخی است. یونسکو به عنوان بخش

در همین دوره مبلغ مسیحی دیگر به نام خانم گون گستر در اصفهان، یک باب آموزشگاه شبانه روزی برای دختران نابینا تأسیس کرد. او در سال ۱۳۲۵ برای آموزشگاه نور آیین مجوز گرفت. این مدرسه بعدها به مدرسه رودابه تغییر نام یافت. نورآیین دارای امکانات خوابگاهی، نشر متون بریل و دیگر امکانات برای مهارت افزایی نابیناها بود.^۱

این اقدامات نخستین فعالیت‌ها در عرصه ترویج و آموزش خط بریل در ایران است.

حدود چهل سال خط بریل محدود بود به قشر خاصی از نابینایان که از مکتب و ثروت برخوردار بودند یا گرایش و علاقه به تبلیغات مذهبی مسیحی داشتند و می‌خواستند با خواندن متون مذهبی و تسلط بر معارف دینی در عرصه تبلیغ، کارآیی داشته باشند.

در این دوره خط بریل محدود به حروف الفبا و علائم عمومی بود و در عرصه‌های علوم و فنون مختلف گسترش نیافته بود. البته گزارش‌هایی هست که مدعی است مدرسه دار الفنون اقدام به گسترش علائم بریل در علوم مختلف نمود. ولی اسناد محکمی در این زمینه هنوز ارائه نشده است.

تا دهه چهل وضعیت خط بریل کما بیش همینطور بود و سرعت توسعه و گسترش آن کند بود اما هنگامی که در سال ۱۳۳۹ ش پذیرش خط بریل و تصویب آن در مجلس شورای ملی صورت گرفت، راه برای گسترش آن هموار گردید و مرحله دوم آغاز شد.

ویژگی دیگر خط بریل در این دوره، وابستگی مراکز آموزشی خط بریل به جریان‌های تبلیغی مسیحیت و کلیسا است. یعنی دولت پهلوی و دیگر نهادهای مدنی نقشی در اداره این مراکز نداشتند.

اسناد و مدارک فقط از فعالیت‌های آموزشی در زمینه خط بریل در دو شهر تبریز و اصفهان گزارش می‌دهد؛ اما بعید می‌نماید در شهرهایی مثل شیراز، اهواز و غیره فعالیت‌هایی نبوده باشد. به هر حال فعالیت‌ها در این دو شهر و نیز در شهرهای دیگر نیاز به بررسی‌های گسترده‌تر دارد.

برخی اسناد گویاست که قبل از سال ۱۳۲۰ و پیش از اینکه خانم گون گستر در سال ۱۳۲۵ آموزشگاه دخترانه نابینایان را در اصفهان تأسیس کند، مرکز دیگری جهت نگهداری و آموزش دختران نابینا در اصفهان تأسیس شده بود و پس از جنگ جهانی دوم، اداره آن به عهده کشیشان و برخی مؤسسات خیریه انگلیسی واگذار گشته بود.

۱. مجله نور عالم، ش ۴ و ۵ (۱۳۳۱)؛ دائرةالمعارف خط بریل، ظروفی، ص ۲۵.

۱. ایمیل محمد نوری muhamadnori@yahoo.com



یکی از اقدامات خوب دیگر در این دوره، تقویت زیر ساخت‌ها و مبانی خط بریل فارسی است. آموزشگاه دکتر محمد خزائلی در ۱۳۴۸ش تأسیس شد. او خود دانشمندی نابینا و فعال در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی بود. یعنی هم شخصیت علمی و دانشگاهی داشت و به عنوان مؤلف و پژوهشگر معروف بود و هم به عنوان نماینده مردم اراک در مجلس شورای ملی از حقوق نابینایان دفاع می‌کرد. اقدامات او و آموزشگاه او، در تقویت شالوده‌های بریل بسیار مؤثر بود. البته مراکز دیگر هم به تبع او مؤثر بودند. که در اینجا به چند نمونه از اقدامات آنان اشاره می‌شود.

دکتر خزائلی کلاس‌هایی با عنوان تقویت لامسه، کلاس آموزش بریل فارسی، کلاس کوتاه نویسی خط بریل، کلاس تقویت مهارت‌های خواندن و نوشتن در سراسر ایران برپا کرد. نابینایان با شرکت در این کلاس‌ها مهارت افزایش کرده و مبانی خواندن و نوشتن آنها تقویت می‌شد. این تلاش‌ها در توسعه خط بریل بسیار مؤثر افتاد. به تبع آموزشگاه دکتر خزائلی، دیگر مراکز نابینایان نیز چنین کلاس‌هایی را برپا می‌کردند و در نتیجه نهضت گسترش بریل ظرف دو دهه سراسر کشور را فرا گرفت. خلاصه این دوره از مهم‌ترین دوره‌های تأثیرگذار در جامعه و فرهنگ معلولین است.

افزایش نقش دولت و محدودیت مراکز مردمی

(دوره سوم: ۱۳۶۰-۱۳۸۰)

این دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بویژه پس از سال ۱۳۶۰ آغاز شده و حوادث سال‌های پس از انقلاب بر آن سایه افکنده است. در این دوره اهتمام به امور دیگران افزایش یافت و ضرورت توجه بیشتر نسبت به معلولین احساس شد؛ به طوری که بر سرنوشت نابینایان مؤثر بوده

اصفهان و نیکوکارانی از این شهر تأسیس شده بود. در اصفهان مدارس زنجیره‌ای ابابصیر از سال ۱۳۴۰ رسماً تأسیس شد و توانست ظرف حدود دو دهه کارنامه قابل قبولی از خود بر جای گذارد.

مدارس ابابصیر، چاپخانه بریل را دایر کرد و متون بسیاری را به خط بریل منتشر نمود. نیز در سال ۱۳۴۳ آموزشگاه‌های دخترانه و پسرانه نابینایان در تهران دایر شد و در کار نگهداری و مهارت آموزی آنان به روش شبانه روزی کار می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی این مدارس به «شهید محبی» تغییر نام داد. برخی هم با آموزشگاه دکتر محمد خزائلی تلفیق گردیدند.^۱

ابابصیر غیر از خط‌مشی اصلی که همان رشد نابینایان و مهارت آموزی به آنان بود، اهداف تبلیغی دیگری هم تعقیب می‌کردند. یکی مقابله با مدارس نابینایان که توسط کلیسا دایر شده بود و اهداف تربیت مبلغ مسیحی داشتند؛ و دوم مقابله با تبلیغات بهائیت و بابیت بود. نابینایان به دلیل استعدادهای خارق العاده در کلاس‌هایی توجیه شده و آموزش‌های لازم برای نقادی بابیت و بهائیت و خنثی کردن تبلیغات آنان می‌دیدند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سران انقلاب چنین کارهایی را انحراف از مبارزه با رژیم دانسته، می‌گفتند انجمن حجتیه و تفکر حجتیه‌ای چون اعتقاد به مبارزه با شاه را نداشت، نیروها و استعدادهای و امکانات را در مسیر انحرافی مصرف می‌کرد. بالاخره با تلاش‌های برخی از سران انقلاب، ابابصیر عملاً به تعطیلی کشانده شد و بسیاری از فعالیت‌های آن محدود گردید، به طوری که هم‌اکنون نیز چنین است.

در مقابل تفکر دیگری هست که هر نوع اقدام برای جامعه نابینایان را مطلوب می‌داند. چون ثمره و نتیجه همه این اقدامات رشد و توسعه فرهنگ ملی و افزایش مهارت‌های افراد مستعد موجب اشتغال بیشتر، رهایی از فقر و خلاصه به نفع مردم کشور است. اینان تفکر افراطی ضد انجمن حجتیه و ضد ابابصیر را تندروی بی‌جهت می‌دانند.

با تبدیل خط‌مشی آموزش بریل از جریان مذهبی به جریان فرهنگی، اقدامات فراوانی برای گسترش خط بریل آغاز شد. در شهریور ۱۳۴۸ش، در سمینار مربیان و آموزگاران نابینایان (تهران) قرار شد علاوه بر اصلاح خط بریل، روش آموزش آن هم آسان‌تر گردد و بریل فارسی در همه موضوعات و در همه علوم گسترش پیدا کند.

۱. دائرةالمعارف خط بریل، ص ۳۰-۳۱.

است. در این زمان تشکیلاتی برای مدارس استثنایی و نیز پژوهشگاهی هم در وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد. این تشکل‌ها حداقل چهار اقدام را به موازات هم پیش می‌بردند:

الف: توسعه کوتاه نویسی خط بریل

ب: دسترسی همگانی به وسایل و تجهیزات بریل

ج: تربیت آموزگاران و مربیان بریل و اعزام به همه مناطق ایران

د: گسترش خط بریل در همه علوم و فنون

در سال ۱۳۶۷ ش کارشناسان خط بریل طرحی به نام «گردآوری، تدوین و تثبیت علائم خط بریل» را مطرح کردند و نظر مقامات آموزش و پرورش را برای اجرای آن جلب نمودند. با اجرای این طرح، متون علوم و فنون مختلف با علائم زبان بریل تدوین می‌شد و خط بریل گسترش جدی پیدا می‌کرد. در سال ۱۳۶۹ نخستین ثمره این پروژه نتیجه داد و کتابی دارای بخش‌های مختلف از علوم و فنون به زبان بریل عرضه و منتشر شد.

الف- ضرورت کوتاه نویسی:

کتب بریل به لحاظ اینکه حروف آن به صورت مجزا به روی کاغذهای ضخیم نوشته شده، فضای بسیاری می‌طلبد و به صورت بسیار حجیم در می‌آید. برای چاپ و تهیه کتب و همچنین حمل و نقل آنها می‌بایست زحمات زیادی تحمل گردد. به خصوص کودکان نابینا از حمل این کتب بزرگ و سنگین ناتوانند و هر چه حجم کتاب بیشتر باشد خواندن آن هم بیشتر طول می‌کشد و نیروی فراوانی جهت مطالعه آن صرف می‌گردد.

این امر باعث شد تا مردم کشورهای مختلف برای خود روشهایی را به کار گیرند که حتی المقدور از حجم کتب بریل کم کنند و در نتیجه در وقت، مواد اولیه و نیروی انسانی صرفه جویی شود.

صرفه جویی در وقت نابینایان دارای اهمیت زیادی است زیرا آنان در اثر مطالعه طولانی که به وسیله انگشتان انجام می‌دهند، مقاومت انگشتانشان به علت کرخ شدن کم می‌گردد و نهایتاً منجر به خستگی می‌شود.

روش کوتاه نویسی گرچه قبلاً هم وجود داشت ولی در این دوره اهتمام گسترده‌تری به کوتاه نویسی شد و تحول عظیمی در تهیه کتب بریل به وجود آورد. از دیرباز در کشور ما نیز نابینایان و کارشناسان آموزش و پرورش، روشهایی را ابداع نموده‌اند تا برای خط بریل فارسی، روش کوتاه نویسی

تدوین کنند اما نظر به محدودیت علائم بریل که فقط ۶۳ حالت دارد موفق به ارائه روش جامعی نشده‌اند. زیرا اکثر این علائم در حروف الفبای فارسی به کار رفته است. زیر مجموعه علائم بریل عبارت‌اند از:

حروف الفبا، ۳۳ علامت

علائم نقطه گذاری و علامت عدد، ۱۳ علامت

تنوین‌ها، ۲ علامت

اعراب، ۲ علامت

همزه‌ها، ۴ علامت

الف مقصوره و الف کوتاه، ۲ علامت

تشدید، ۱ علامت

با توجه به محاسبه فوق ۵۷ علامت از ۶۳ علامت استفاده شده است لذا افرادی که تاکنون خواسته‌اند علائم کوتاه نویسی ابداع نمایند با مشکلاتی مواجه گردیده‌اند. برای تهیه طرح کوتاه نویسی بریل تاکنون تلاشهای فراوانی صورت پذیرفته که شاید تنها موردی که به صورت مکتوب منتشر شده طرح گروهی از متخصصین است که زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت نموده و موفق به تهیه جزوهای گردیده‌اند. نخستین تلاش ضابطه‌مند و رسمی برای تدوین قواعد کوتاه نویسی در سال ۱۳۶۲ توسط دانشجویان تربیت معلم و زیر نظر محمد حسن وجدانی شروع شد. در سال ۱۳۶۴ طرح جدیدی برای کوتاه نویسی عرضه شد و پس از اجرای آن در ۱۳۶۶ ش منتشر گردید. این طرح در قالب جزوهای با عنوان «کوتاه نویسی بریل فارسی» تألیف عبدالله غفاری و همکارانش در سال ۱۳۶۶ منتشر شد.^۱ با مطالعه و بررسی کوتاه نویسی مذکور و توجه به کاستیهای آن مجری طرح بر آن شد تا کوتاه نویسی کاملی را با کمک همکاران و بر اساس مطالعات دقیق و علمی تهیه نموده و آرزوی دیرینه نابینایان ایران را جامه عمل بپوشاند.

کوتاه نویسی که در کتاب *دائرةالمعارف خط بریل* توسط آقای محمد رضا ظروفی و همکارانش در سال ۱۳۶۷ ش عرضه شده، مزایای زیادی نسبت به کوتاه نویسی سازمان بهزیستی دارد. از جمله تعداد علائم کمتر آن، قابل تشخیص‌تر بودن آن و درصد کوتاه کردن متون است. به طوری که این تحقیق به طور متوسط ۲۷/۳ درصد متون را کوتاه‌تر کرده، حال آنکه کوتاه نویسی بهزیستی حدود ۲۴/۶ درصد بود.

در سه دهه اخیر آثار مختلف درباره کوتاه نویسی در رشته‌های مختلف تألیف و منتشر شده است. اما این آثار

۱. نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل فارسی، ص ۹۲-۱۰۶.

نوشتن بدانند، آموزش می‌دیدند. اما در دهه‌های اخیر آنان در مقاطع عالی فوق لیسانس و دکتری در رشته‌های تخصصی تحصیل کردند. از اینرو نیازمند متون درسی و آموزشی تخصصی در رشته‌های مختلف فنی، مهندسی، پزشکی و داروسازی، علوم انسانی، علوم محض و علوم عملی بوده‌اند.

کارشناسان امور بریل چاره‌ای نمی‌دیدند، جز اینکه خط بریل را در همه رشته‌ها گسترش بدهند. آخرین متنی که در زبان فارسی منتشر شد، کتابی است که به مدیریت آقای محمد رضا ظروفی با عنوان *دائرة المعارف خط بریل* منتشر شد. ده‌ها کارشناس بریل در رشته‌های مختلف زبان، موسیقی، شیمی، فیزیک، ریاضیات، حقوق، علوم شرعی و اسلامی و غیره، علائم بریل را گسترش داده‌اند و در بخش‌های مختلف این کتاب آورده‌اند.

مؤلفان در مقدمه برخی رشته‌ها چنین نوشته‌اند:

۱- زبان انگلیسی:

در مقدمه به معرفی نشانه‌های بریل انگلیسی پرداخته و علائم بریل را در زمینه گرامر و لغات انگلیسی ارائه داده‌اند.

۲- نشانه‌های خط بریل در زمینه علوم پایه:

تا همین اواخر، این امر دچار آشفتگی‌هایی بود و نیاز به بررسی مجدد و ایجاد وحدت رویه در به کارگیری آن کاملاً محسوس به نظر می‌رسید. در نتیجه نگارنده با بهره‌گیری از تلاش‌های صمیمانه دبیران خوش فکر و با تجربه ریاضیات مدارس نابینایان کشور، مجموعه جامع و کاملی را پایه‌ریزی نمود تا نشانه‌های مورد نیاز نابینایان در حوزه‌های علوم ریاضی (حساب، جبر، آمار، ریاضیات جدید، هندسه، مثلثات)، فیزیک، شیمی، علوم زیستی و ... را در یک مجموعه منسجم و کامل فراهم نماید.

۳- نشانه‌های مربوط به علوم رایانه:

هم‌گام با پیشرفت‌های شگرف علوم رایانه‌ای و اشتیاق و توانایی آسیب دیدگان بینایی در زمینه فراگیری این بخش از دانش بشری، لازم دیدند نشانه‌های مربوط، جمع‌آوری و معرفی شوند. اگر چه تقریباً تمامی نرم افزارهای مربوط به نابینایان در کشور آمریکا تهیه می‌شود، اما بر آن شدیم تا در این بخش از کتاب با دست‌یابی به تازه‌ترین نشانه‌های موجود، به معرفی علائم دو روش آمریکایی و بریتانیایی بپردازیم. خلاصه اینکه از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰، خط بریل در چهار عرصه مزبور گسترش چشمگیر در ایران یافت.

مهم اینست که اقدامات مزبور تحت تأثیر شرایط و وضعیت انقلاب اسلامی قرار داشت. دولت جمهوری اسلامی با

نیازمند همسان سازی و ایجاد رویه واحد کوتاه نویسی و جمع آراء و دیدگاه‌های مختلف است.

ب- دسترسی همگانی به وسایل و تجهیزات:

بریل نویسی یا نویسنده بریل (بریل نگار) نیازمند وسایلی است. همانطور که مؤلف عادی برای نوشتن یک صفحه نیازمند قلم (خودکار، مداد، خودنویس و امثال اینها)، کاغذ یا هر نوع صفحه‌ای که روی آن بتوان نوشت، است، بریل نگار هم نیاز به وسایل و ادواتی دارد که نقطه برجسته ایجاد کند؛ بطوری که مخاطب بتواند به کمک حس لامسه این نقطه‌ها را بخواند.

در این دوره شاهد کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدکننده وسایل بریل ساز هستیم. نیز سازمان‌های دولتی مثل بهزیستی، گاه این تجهیزات را بین نابینایان توزیع کرده‌اند. در بیست سال اخیر، تجهیزات دیجیتالی و الکترونیکی برای نگارش علائم بریل یا خواندن آنها، یا انتقال و اشتراک‌پذیری آنها، رونق بیشتر پیدا کرد. مراکز این وسایل را تهیه و در کتابخانه‌های نابینایان در دسترس آنان قرار داده‌اند. به هر حال همگانی کردن دسترسی و استفاده از وسایل بریل ساز، انقلاب و تحول جدیدی در خط بریل و فرهنگ نابینایان بوده است. البته در کشورهای پیشرفته دسترسی به وسایل ارزان‌تر و بهتر است ولی در کشورهای در حال توسعه وسایل الکترونیکی هنوز گران و دسترسی بدانها برای نابینایان هنوز مشکل است. مراکز خیریه و دولت در اینگونه کشورها به ویژه جوامع اسلامی می‌توانند از طریق وقف این ابزار آلات و استمداد از نیکوکاران، این مشکل را مرتفع کنند. اما اقدامات چشم‌گیر و جدی در این زمینه به چشم نمی‌خورد.

ج- تربیت آموزگاران و مربیان بریل:

در این دوره رویکرد و استقبال نابینایان از خط بریل بیشتر شد و افراد بیشتری خواهان آموختن بریل شدند. از اینرو مراکز دولتی و خصوصی و غیر انتفاعی فراوان، کار آموزش را بر عهده گرفتند. ولی بدون مربیان ماهر و حاذق، آموزش امکان‌پذیر نمی‌بود. از اینرو وزارت آموزش و پرورش، طرح‌هایی برای تربیت معلمان و مربیان را آغاز کرده است. در دانشگاه تربیت معلم و برخی از دیگر دانشگاه‌ها، رشته تربیت معلم بریل تأسیس شد. مهم‌تر اینکه تلاش شد رویه و انسجام آموزشی و تربیتی واحد بین همه فعالیت‌ها حاکم باشد.

د- گسترش خط بریل در همه علوم و فنون:

نابینایان در گذشته فقط در مقطع تحصیلات عمومی، نهایتاً تا گرفتن گواهی دوره ابتدایی یعنی در حدی که خواندن و

رای اکثریت روی کار آمد، تفکر کاپیتالیسم و خصوصی بودن اقتصاد نفی و طرد شد، دولت هدایتگر و پشتیبان فرهنگ ملی و مذهبی مردم بود. از اینرو اکثر شوون و بخش‌های جامعه در اختیار حاکمیت قرار داشت. به همین دلیل جایی برای فعالیت مراکز خصوصی باقی نمانده بود. سازمان بهزیستی تأسیس شد، و همه سازمان‌ها و نهادهای مربوط به معلولین به آن ادغام شدند. سپس سازمان مدارس استثنایی تأسیس شد و تمامی امور آموزشی و پژوهشی حتی پشتیبان در این سازمان متمرکز گردید. روحیه انقلابی بر این ادارات حاکم شد و این رخداد تبعاتی مثل ضدیت با غرب و کنار رفتن اندیشه مدارا و تساهل در پی داشت. همه اینها در سرنوشت جامعه معلولین و نابینایان مؤثر بوده است. بعضی از مراکز مردمی در جریان منازعات که پس از انقلاب طبیعی است، حذف شدند. ابابصیر یکی از آنها بود. قبلاً توضیحاتی درباره آن عرضه شد. انقلاب اسلامی و بلافاصله پس از آن آغاز جنگ همه جانبه علیه ایران، مسیر رشد و ارتقای نابینایان نسبت به برخی کشورها، با تأخر و مشکلاتی مواجه شد. چون کشورهای پیشرفته جهان به ویژه غربی‌ها نگاه منفی به ایران داشتند. این عوامل موجب گسستگی و انفعال نابینایان ایران از جریان کلی نابینایی جهانی شد و تأخر آنان را تشدید کرد. اما همه این مسائل موجب از پای نشستن نابینایان نشد آنان به دلیل پشتکار و علاقه‌هایی که در آنان نهادینه شده، با تلاش فراوان مسیر رشد و ترقی را هموار نمودند و به رغم همه کمبودها و موانع به مدارج عالی فرهنگی و اجتماعی رسیدند.

ورود به عرصه‌های عالی فرهنگ و جامعه

(دوره چهارم: ۱۳۸۰ تا کنون)

در بررسی دوره سوم گفته شد با وجود جنگ و موانع فراوان

که برای رشد و ارتقای جامعه و فرهنگ معلولین وجود داشت، اما با تلاش و مجاورت‌های سازنده توانستند از هر فرصت استفاده کرده، تحصیلات عمومی و متوسط را اغلب پشت سر گذاشتند، وارد دانشگاه شدند یا در حوزه علمیه به دروس عالی راه یافتند و مقطع‌های کارشناسی ارشد و دکتری را طی کرده و به مدارج عالی نایل آمدند. با اینکه دولت و وزارت آموزش عالی هیچگونه امتیازی برای آنان منظور نمی‌کرد و در تمامی مسائل و بارمبندی‌ها مثل افراد عادی و سالم بودند. تصور کنید گاه یک نابینا در بین یکصد سالم در آزمونی شرکت می‌کرد؛ همه افراد به راحتی متون را مطالعه کرده و با آمادگی می‌آمدند ولی نابینا برای مطالعه یک کتاب چه زحماتی باید متحمل می‌شد؛ از چند نفر استعدا می‌کرد متن را برایش بخوانند و او باید با خواندن آنها در همان جلسه مطالب را به حافظه می‌سپرد. در رشته‌های مثل هنر و پزشکی مشکلات مضاعف بوده است. اما آنان با توکل، اخلاص و تلاش توانستند بر مشکلات و موانع غلبه کرده و در رشته‌های مختلف از حفظ و قرائت قرآن تا نقاشی، مداحی و موسیقی، و کشاورزی، حقوق، پزشکی، علوم قرآن، علوم حدیث و غیره با موفقیت جلو بروند و پس از اخذ مدرک کرسی استادی و تدریس دانشگاه، کرسی شورای شهر، تبلیغ و منبر، ورزش‌های حرفه‌ای مثل وزنه‌برداری برسند. این دوره از نظر، عصر درخشش استعداد‌های نابینایان ایران است. البته برخی از رهبران ملی و دینی هم آنان را تشویق می‌کردند و به کمک آنان می‌شتافتند. بعضی مراجع تقلید برای آنان گام‌های بلند برداشتند.

این دوره شاهد تأسیس ده‌ها مرکز و مؤسسه پژوهشی، آموزشی، خدمات رسانی و فرهنگی و انتشاراتی هستیم. در همه شهر، نیکوکاران به کمک نابینایان شتافتند و در تمامی

شهرها حداقل یک مرکز مردم نهاد

شکل گرفت. البته خود نابینایان

تجربه لازم را آموخته و به دست

آورده بودند و می‌توانستند به

راحتی از وسایل مدرن مثل

کامپیوتر، اینترنت استفاده کنند. با

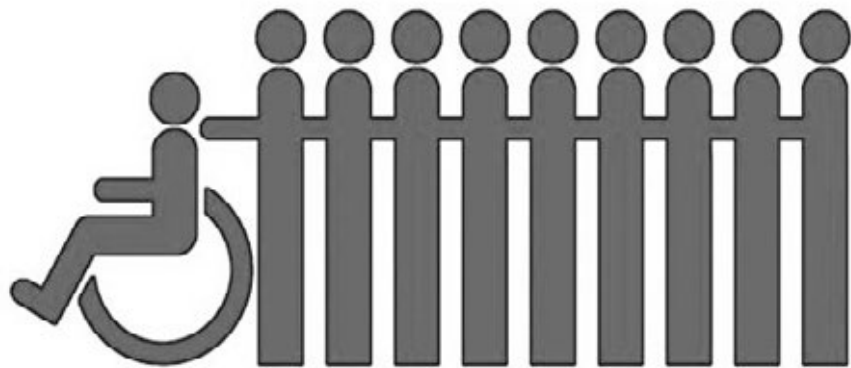
جهان پیشرفته ارتباط برقرار کنند

و بر اثر همین ارتباطات، بعضی

در مراکز آموزش عالی در اروپا و

امریکا اشتغال پیدا کردند.

وسایل مدرن برای توسعه خط بریل



امروزه دفتر فرهنگ معلولین به دیزی پیوست و عضو آن است و اینک کارشناسان این دفتر درصدد اجرای طرحی هستند که بتوان متون به خط بریل را در چند مرحله سامان دهی بهینه کرد.

خلاصه و نتیجه گیری

بریل ایرانی از ۱۲۹۹ تا کنون بیش از ۹ دهه و حدود یک قرن سابقه دارد. به رغم فرودهای جزئی، تمامیت و شاکله کلی بریل ایرانی رو به صعود بوده است. اکنون دیگر صرف خط بریل نیست بلکه باید آن را فرهنگ بریل نامید. از چهار دوره عمده گذشته و در هر دوره دهه‌ها حادثه تلخ و شیرین را پشت سر نهاده؛ و همچون فولاد آبدیده و مستحکم‌تر گردیده است. هم اکنون دوره جدیدی برای فرهنگ بریل آغاز شده است. در دوره پنجم بریل در خدمت فرهنگ دینی و ملی است، بریل به عنوان یک تجربه جهانی، هم‌اندیشی بین‌المللی و راه‌اندازی سامانه فراگیر در سطح جهان اسلام در این دوره یک ضرورت جدی است.

اما هنوز اطلاعات ما راجع به گذشته، حوادث و تحولات پیشین بریل اکتفا کننده نیست؛ اسناد بسیار ناقص است. از همه عزیزان در هر شهر و برزن هستند استعدای عاجزانه داریم هرگونه مدرک و سندی دارند ما را در جریان بگذارند.

مآخذ

«تأثیر خط بریل عربی در فارسی»، نادر جهانگیری و دیگران، *الدراسات الادیبة (الجامعة اللبنانية)*، شماره‌های ۶۷-۶۹، ۲۰۰۹؛ *امکان سنجی: به کارگیری دیزی در کتابخانه‌ها و مراکز نابینایان شهر تهران*، زهرا آقایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، رشته کتابداری، ۱۳۹۰؛ *نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل فارسی*، نرجس منفرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی نادر جهانگیری، ۱۳۸۹، دانشگاه فردوسی مشهد؛ *سیر تاریخی آموزش و پرورش استثنایی در ایران*، احمد امیدوار، تهران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۸؛ *مجله نور عالم*، ش ۵۴، ۱۳۳۱، گزارش درباره بریل؛ *دائرة المعارف خط بریل*، مجری محمدرضا ظروفی، ناظر مسعود گلچین، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۸؛ *مجله بصیرت*، تهران، چاپ سازمان بهزیستی، شماره‌های مختلف؛ *پیروزی بر شب: سرگذشت لویی بریل*، ژ. کریستان، ترجمه سیروس طاهباز، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری، ۱۳۶۶؛ *سیری گذرا در آموزش و بهزیستی نابینایان*، محمدرضا نامنی، تهران، بی‌تا، ۱۳۶۳؛ *کودکان و نوجوانان دارای ضایعات بینایی*، زاهد حسینی و عبدالحسین نفضلی مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰؛ *روان‌شناسی و آموزش کودکان نابینا*، پرویز شریفی درآمدی، تهران، گفتمان خلاق، ۱۳۷۹؛ سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی www.persianacademy.ir

با کمک مطالعاتی و کارشناسی نابینایانی چون آقای حسینی در شرکت پکتوس و به دید از روی مدل‌های خارجی ساخته شد. دی زی (Dayzy) به عنوان یک نیاز جدی برای نابینایان به روش‌های بومی شده در حال اجرا است. اجرای این سامانه موجب به اشتراک‌گذاری بریل و استفاده همگانی از پیام‌های بریل شده و در آینده نزدیک با اجرای طرح‌های مهم‌تر، پیشرفت‌ها چند برابر خواهد شد.

با گسترش خط بریل در زمینه‌های مختلف، مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هم‌زیادتر شد. از سوی دیگر کنترل جدی بر روی آنها وجود نداشت. زیرا ساختار اداری پیش‌بینی شده، درست و دقیق طراحی نشده بود. از یک طرف مراکز دولتی گسترش یافت؛ از طرف دیگر مراکز غیر انتفاعی و خصوصی فراگیر شده بود. دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور و ده‌ها دانشگاه غیر دولتی فعالیت داشتند. مراکز تحقیقاتی بسیار اعم از دولتی و غیر دولتی فعال شده بودند. پژوهشگران و مؤلفان هم بی‌کار ننشسته و آثاری درباره بریل منتشر می‌کردند. سر جمع همه اینها تشتت و ناهماهنگی و چندگانگی بود. از اینرو از اواخر دهه هفتاد و هشتاد ضرورت همسان‌سازی و ایجاد رویه واحد، ضرورت و لازم می‌نمود. امروزه هنوز در زمینه ایجاد رویه و خط‌مشی و ضوابط واحد مشکلاتی وجود دارد ولی تفکر و ایده وحدت در خط‌مشی را همگان ضروری دانسته و در شرایط مختلف بر آن استدلال کرده‌اند.

خط بریل اگر با دانش ارتباطات تلفیق گردد و پیام‌ها و متون بریلی توسط اینترنت و کامپیوتر به اشتراک گذاشته شود، همه نابیناها می‌توانند متون بریل را بخوانند و بنویسند و از پیام‌های بریلی دیگران هم‌زمان استفاده نمایند، که در این صورت در این عرصه تحول عظیمی پیدا خواهد شد. کشورهای غربی توانسته‌اند خط بریل را از فردیت و انزوا بیرون آورده و با طراحی و اجرای شبکه دیزی پیام‌ها و متون نابینایان را همگانی کنند. با این شیوه، کارآیی خط بریل چند برابر شده و نیز کارآیی نابینایان هم مضاعف گردیده است. از دهه هشتاد در ایران هم چنین اندیشه‌هایی مطرح شد. کسانی ضرورت پیوستن به کنسرسیوم دیزی را مطرح کردند. اما هنوز گام‌های جدی و اساسی برداشته نشده است؛ تا اینکه در سال‌های اخیر مسأله دیجیتالی کردن بریل و تبدیل خط و متن بریل به متن دیجیتالی و الکترونیکی با جدیت بیشتر مطرح شده و کسانی از دولت خواستار مساعدت و کمک در این زمینه شده‌اند.